

خطی - فهرست شده  
۱۴۷۱۵



۲۷۱۱۱

بازدید شد  
۱۳۸۵

بازدید شد  
۹-۱۳

۱۰۳۲۳-ن

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
۲۰۴۱  
فهرست کتاب ۲

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: منتخب نظم فارسی و عربی - ترجیع بند مستقصیة	
مؤلف: قصیده و محبت لاری - قصیده و زدن و عین	
موضوع:	شماره قفسه: ۱۰۶۱۵
شماره ثبت کتاب:	۱۶۷۶۲

خطی - فهرست شده  
۱۳۷۱۵

۲۷۱۱۱

بازدید شد  
۱۳۸۵

بازدید شد  
۹-۱۳

۱۰۳۲۳-ن

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
۲۰۴۱  
فهرست کتاب ۲

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: منتخب نظم فارسی و عربی - ترجیع بند مستقصیة	
مؤلف: قصیده و محبت لاری - قصیده و زدن و عین	
موضوع:	شماره قفسه: ۱۰۶۱۵
شماره ثبت کتاب:	۱۶۷۶۲

خطی - فهرست شده  
۱۳۷۱۵



ما بعد

میزان

۱- تصحیح بندت لطیفی شاه کرمانی

۲- قصیده مدح حضرت امیر المومنین علیه السلام از لاریه تخلص بصحبت مرقه

۳- تجزیه قصیده فرزدق از حاج عبدالنبی سیدی بعد از آنکه در صیانت وی

نوشته شده و چاپ نشده و در نسخه نامی از این شخص و تحسین است

و در کتاب السامی و علامه ساری و نورام این شخص مدح نشده

۴- استعاره دیگر از شخص منیر رحمانی فخری نوشته شده اند از جمله این

تجذید نداشتند و کتب علیها در سال ۱۲۸۳

۵- شمس الدین حکایت عالم داخل مولی شمس الدین تخلص بفتاحی و نقاشی

و خارجی و سر اینکه از آثار شمس الدین فخری در کتاب الادب ۲/۴۹۲ بعنوان

سیدک تفسیر شده و در لاریه تخلص دیگر است که بعضی خارج است

فهرست است آغاز آن خود را که چشمه جود است دریا است و در کتاب

و شمس الدین که از این فخری است از لاریه تخلص و در کتاب

و چون در کتاب این شمس الدین است تا به تاریخ که ۸۲۵ است در کتاب

۸۳- رجب

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت  
۷۶۲

مجلس - فهرست شده  
۱۳۷۱۵



مجلس شورای ملی



سالم الرحمن الرحیم  
 ترجیح بند من کلام شریفی که بایز در جیب سینه من  
 چار او شده ذوالکرم بطور دلتی کمال شد قدم بجای خوش  
 که تو چه بدیش تیرا حدیث از تیش تیش کمال شد تیش  
 شطوطی همه غرض کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 بخت خیر خیر کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 سوی حق چو که دانی بی کمال کمال کمال کمال کمال  
 چو خدا انهمه تیش چو کمال کمال کمال کمال کمال  
 ز غرض شکر انهمه خیر کمال کمال کمال کمال کمال  
 رشحات روی مدح او ملات خوی شریف او  
 لغات کوی رفیع او به تمام داد و نقد فی

بسیار

نوکا و صفت کمال و در کمال و در کمال  
 من صفت در لایم من نیت خیر و نیت  
 مدح اعلی کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 حسنیت صفت کمال کمال کمال کمال کمال کمال

ضمایق متدل تو چه کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 جز تو کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 غم موی پر غم من تو کمال کمال کمال کمال کمال  
 من و تو ذیل غایت من کمال کمال کمال کمال کمال  
 شده از غایت فضل تو در کمال کمال کمال کمال  
 صفات روی کوی تو زلال کمال کمال کمال کمال  
 بحکم دیم برای تو کمال کمال کمال کمال کمال  
 غبرات فاکره تو در غایت کمال کمال کمال کمال

من و غم

من و غم تیرا تو من تو من تو من تو من تو من تو  
 من و غم دی لطیف تو من تو من تو من تو من تو  
 من و غم تو کوی تو من تو من تو من تو من تو  
 مدح اعلی کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 حسنیت صفت کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 بشین کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 ز کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 چو خدا خیر کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 شودم زدود چو غم شودم شودم شودم شودم  
 تو چه کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 چو جهان کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 خیر کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال

چون

چو تو کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 من و غم تو کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 رخ بکوان همه دیده ام کمال کمال کمال کمال  
 چو کمال کوی داری تو کمال کمال کمال کمال  
 مدح اعلی کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 حسنیت صفت کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 ز خجابت تو کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 رخ ما کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 ز تو دیده قامت متدل کمال کمال کمال کمال  
 چو تو کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال  
 بناء لطیف من تو کمال کمال کمال کمال کمال  
 چو حق کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال



چو تو را مقام عید شد لب تیر و دوزخ  
ز دست عیا کشته سحر و جادو سنین  
شده از این به دوزخ انکرم نه در لکرا <sup>نفس</sup>  
که بغیر نوشته قدم بنور جهه او سنین  
ز حقایق همه آگهی بهیشت آینه همی  
بنهجه نقوش آلهی خونه و در آینه  
بنوال نفیست حق جل سده است  
بسکند حضرت ذات حق جل و علی  
نویزبان حال او کو زبان حال او  
نویزبان حال او کو زبان حال او

نه با جوی تو منقطع کنی نفس تو منقطع  
 که با سبقت به چو کیت حرفه جوی تو  
 چون از ته تو ترسته شد روحی پرستیده  
 که بنده لغو تر گشته فقرات عدل تو  
 زنی تو تر شد ملک لیت زخم دلش کش  
 رسد این رجاء نه فکرت بکوشی جی رکود تو  
 ز شراب غارت کن کجاست تو را رخسارین  
 مه و مهر و دیگر آسمان شده جام و سبک تو  
 سنس از کلام صریح او تو بگویش خطا تو  
 که سخن برای می رسد او شده نظر نادیده تو  
 که سخن برای می رسد او شده نظر نادیده تو

بهشت خضر مسیح بن یزید زال محمدي  
 ز زال بن نیه تا ابد ستر جلال محمدي  
 خط و قلم لطیف مشق حسن محمدي  
 تو بیا ظهور عیان نماز جمال محمدي  
 غرض تو مذاق عینی بنی ز جمال محمدي  
 لبرای تا نثری چند صدور آل محمدي

فصل چهارم در بیان بلا ای علی  
با آنکه کل در کم او دیده شد  
سر و کل در میان قید آید  
در سجده سر و کمری پیش من  
خفته تنم تا که مرا اگر بیاورد  
سند سبز خود بکلی غایب ز من  
کاشک عروت بر ملا خندان باز آید  
این رنگ بهر ده که خندان آید  
پایم دارند و تن شکر سحر دار آید  
در بر باغ این بهمن بسته آید  
ضع خدای پاک من کاشانه آید  
ز کس برای پاس گل خشمی آید

فصل چهارم در بیان غزل  
ما که کل در کرم او بدریده <sup>بکجه</sup>  
سرود و کل در بستان تو <sup>بکجه</sup> کل آید  
در سجده هر دهن قمری <sup>بکجه</sup> پیش تنی  
غنه تنم تا که بین کلاکریان <sup>بکجه</sup> چاک  
سند سبز جود کل غیا <sup>بکجه</sup> را غنی بزر  
تا که غرق زاله شد <sup>بکجه</sup> بید مرده و آله شد  
بار صبا و امن <sup>بکجه</sup> ن جیب هر غرق  
لا اله الا الله <sup>بکجه</sup> این غنیمت در حق لعل بوده  
بر فرق نرین <sup>بکجه</sup> دهن قمر شقایق شعله  
شمار <sup>بکجه</sup> و سرود خفته قامت ساز افراخته



سوی لبورانه شده بسن زن آورده  
 آن شیخ کفرزایا بکشتن می بکشد  
 کل دروغواض سرودی فاض  
 مرغله زن مرغ که سازد زرد که  
 بسیل ز کوه از شرف دار دناوی چو  
 صوفیه کافکه از صف سجاد بر  
 چون راه خشک از راه خسته  
 کل را با دفع عطش از پیش  
 آتش زن برق زد هوا چون  
 اولد ز عت آنگاه ز هر طرف  
 آن ناله که شرف در شیر بر دست خدا  
 شایسته علم بی خجسته خاتم  
 کل صاحب سر شده بسن بکشد  
 سرست در دیوانه در کوی خمار  
 عاشق بر بزم خود شده مشغول  
 در بنجودی طایس ز نغمه با  
 لمن چک کک کک کک کک کک  
 یاره اری بر سما بالای  
 که چون قلندر در بر سیاح  
 از ریش زان خوش باری  
 شیر مشرق را لودا مردم  
 یا شیر حق نمره زن در درم  
 ساید مرتضی در کشتن مایه  
 خرمی آدمی کرمی کرمی

ام اول

هم اول و هم افراد هم طاهر  
 رایت فراتر زن در کشتن  
 جولان کرد شاد خور ز عرش  
 شرفک در جنگ اد حکم اد  
 غر مجهر اسره کمره را دی  
 هفت سبک با کفک کاکت می  
 یکدیج او بچند چون آب  
 سلمان ز دیش بود یکا ریح از  
 در راه آن خرب بر دشت با  
 زرد در دیش چشم در دیش  
 این هفت بحر خضر ریح ز لاله  
 هم غایب هم حاضر و حسی  
 خندق به خیر کشتن کشت  
 بسن کشتن کاکت با غیر  
 بهر بیان ز انکس او می  
 در عدل او کک در به با  
 در زان حکم او چون  
 یکدیج از خضم زبون انار  
 قران خاک تفسیر مقدار  
 حیدر ز لیش با کرم  
 و انکس طبع و کشتن  
 ز کبک خور زشت ز لاله

شاه غفر فری فرغام از در  
 دیبای تقوی بکشتن بر دوش  
 قول سکوی در داو مع الدین  
 هر سعت از محضی کشتن در دوش  
 کاهن کوشن در دوش  
 بکشتن خضران شرف کاکت  
 سلطان لاهوت چشم قان ناری  
 روز و غار شیر از خضم غایب  
 هم کس از دی خدای سلطان  
 بر لبه بندش بلان صیدش رود  
 نادر دشتان او کشتن  
 بکشتن تیران شیر او کشتن  
 تقم بوج آوردی مصم بکشد  
 جام خیر بکشتن مشکوایه  
 بر دانه دوش بر کرد از  
 نایده بزرگتری کشتن  
 پنج ابلاغه کشتن زان  
 سیکو کشتن از زرد و  
 دیان طالوای شیم کشتن  
 در سهم تیغ تیراد کشتن  
 هم مارقن چون فریض نام  
 صد تغزل و صد کلال کشتن  
 میدان بهرستان او کشتن  
 در کمان بکشتن زان

خضرت

خشم خضم و غم قلم  
 دی خجسته در دام او کشتن  
 یکدیج از دی زین با مخرج  
 آسوده خاک بکشتن  
 مولای آن دی من بکشتن  
 ای کز طیف آدمی نون  
 اندک ترین جودت بین  
 انوار بریند لاجرم در دشت  
 با جاش نصف کوه کاکت  
 عیبه بکشتن از نظر خوش  
 یزدی بکشتن بکشتن  
 که در زمان کوه کاکت  
 در طبع او کشتن  
 پیغمبران از جام او کشتن  
 بکشتن خجسته بکشتن  
 کشتن صد نام و کشتن  
 کشتن ثور از فرای من  
 سوی در این صمیم بکشتن  
 کک سیمان اندک نام  
 در این نام آن بکشتن  
 در بزم غنی بکشتن  
 این کک کور او کشتن

خدیجه



خو رفته از خوان او سر نیاید ز کمران  
 تیری که حشر از شک او فروخته جا درون  
 تا زنده اند زنجیر کش نه بر سر زدم  
 اندر بر نه نشسته تو با گرد و فر دای  
 اقطاش از خط خشن تا شطرنجی عدل  
 به نقش برین سیدان یعنی ز فرما بر  
 قوتش یکا قرص جوی با نجره ز غنی  
 ارم طلاق این جهان است لفظ  
 صحت زین بر لب در جوی خشن  
 در غنی کنون خشم کن بر خود و دشمن  
 صد لغز سینه شستم بر آدل و خشم شستم  
 یعنی که با طاق و طرم از رخسار آمده

نیرالت بکمان از خوش جهان دار آید  
 بر جبهه پشت عدو تا بر سر نه آید  
 باج و دفر جیش کوشش از جیش بخار آید  
 بر دوش باغ غم از جعفر که طیار آید  
 با این همه ملک دکن از شمشیر آید  
 پیشش برید و برین کم درن آید  
 کل شکر بشود این فرودن آید  
 ام شکر و دهم زین قهر زار آید  
 اقرار کن کن در زین آید  
 اعدای او در شستم کن که عدل آید

بسم الله الرحمن الرحیم  
 هذا قصیدة من روى عنه شاذان مولانا سيد الشاجدين واثام الزاهد بن علي بن  
 صلوات الله عليه زين العابدين قد خمد الحجاب المستطاب المتعالى عن  
 التوصيف والالفاظ المكرم الاسدي الحاج عبد الله البغدادي  
 لا زال في امان الله ونوكد بنظر الله  
 نور من الله ان شامدت ظلمته شامدت من احمد الفخر الجليل  
 وان تجاملت وانكوت وتلكه هذا الذي تعرف البطحاء وطائفة  
 واليت يعرفه والعلم والحرم  
 من سادوا الدنيا لا طبع لهم ربنا السماء وباب خلق شملهم  
 لا بد في الدنيا لفضلهم هذا ابن خير عباد الله كلهم  
 هذا النبي النقي الطاهر القلم  
 فاليك بسم الله يا حبيب الله من روى عنه من روى عنه من روى عنه  
 وان نقشاه نور من روى عنه  
 كرم الخلق اذا ما جازعهم  
 يحيى القلوب اللذان من سبهم وهذا الكائنات في الترتيب اعظمه  
 اول قول داود الله تبارك وتعالى كرمهم الرحمن من قد جاء بكلمه  
 لعل الرحمن ان روى عنه من روى عنه من روى عنه من روى عنه  
 قواعد الدين فيه طلاق طائفة من روى عنه من روى عنه من روى عنه  
 ان الامانة لا تحصى ولا تملك اذا كان في روى عنه من روى عنه من روى عنه  
 الى تكريم هذا النبي صلى الله عليه وسلم

هذا ابن من قد عدل جليل سائلكه هذا ابن من اعد جباري منار  
 هذا ابن من قد عدل الاملاك كاهلكه هذا ابن فاطمة ان كنت جاهلكه  
 يحيى انبياء الله قد حوى  
 زين العابدين وسيم في تقديري بيكي الملائك ليلا في قهقري  
 اعظمهم من ايام من كاهلكه ناطق لا قط الا في قهقري  
 وكذا الشهدا كانت لاق نعم  
 ملاقاته في طرفة عينا في نجابته وفان كل قسبي في قرايبه  
 كجده حين سيد في خطابه يغضي حياء ويغضي من مهابته  
 فانكم الاحسين يتيم  
 اذا مشى سبقت انوار طلعت له للناس طير وجنت قبل ربه  
 وان دعي كيد اشكال فلكيه ينشق نور الهدى عن صخرته  
 كالشمس تخرج عن انوارها الظلم  
 سبوة لم تر في الله تفتد مملوكة في رضاء الله شرعة  
 ملتفة يحيى الاسلام منعته مشقة من رسول الله بعتة  
 طابت عناصر والهمم والنسيم



لِكُلِّ فَضْلٍ إِلَهُ الْعَرْشِ عِلَّةٌ وَإِنَّمَا الْعِلْمُ وَالْعَرْشُ جَلَّةٌ  
 إِنْ قُلْتَ وَبِحُكْمٍ كَيْفَ لَمْ يَكُنْ إِلَهُ اللَّهِ شَيْءٌ قَدْ فَدَّ وَفَضَّلَهُ  
 حَرَى بِذَلِكَ فِيهِ الدُّوْحُ وَالْقَلَمُ  
 خَذُوكَ لِلدِّينِ وَاللِّبَاحَةِ نَزَجٌ وَلَا تَقْضِي الْأَقْصِيَّةَ  
 فَاللَّهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا رِغْسَةً مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ يَعْرِفُ أَوْلِيَّيَهُ  
 فَالَّذِينَ تَرَبَّعُوا هَذَا فَالْأَمَمُ  
 بَرُّ الْأَمَامِ فِي الدُّنْيَا وَبَعْضُهُمْ فِيهِ وَقَلَمُهُمْ عَنْهُمْ وَبَعْضُهُمْ  
 يَقُولُ هَذَا الْقَوْلُ لِبَعْضِهِمْ مِنْ مَعْنَاهُمْ دِينٌ وَبَعْضُهُمْ  
 كَفَرُوا بِهِمْ مَعْنَى وَمَعْنَاهُمْ  
 أَعْطَى الْخَوَافِ مِنْ مَا لَمْ يَرِ وَأَمَلَتْ أَمِيَّةً إِذَا وَجَّهَتْ  
 مَنْ كَانَ دَاخِلُهُ فِي حَالِ ظَاهِرٍ فَلَيْسَ قَوْلٌ مِنْ هَذَا بَصَائِرُ  
 الْعَرَفُ يَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ الْعِجْمُ رَأَيْتُهُمْ  
 هُنْتُ بِالْعَوْدِ بَارِئٌ فِي رَأْيِهِمْ تَحِيَّةٌ سَعِيدَةٌ وَسَعَى لِحَقِّ  
 أَبْقَتْ مَذْجًا نَصِيحًا وَلَا يَنْهَمُ لَا يَسْتَطِيعُ جَوَادُ بَعْدَ غَايَةِ  
 وَلَا يَدَانِهِمْ قَوْمٌ وَإِنْ كَرُمُوا

هَمْ الْبُيُوتُ لُبُوتُ الْحَرْبِ وَهِيَ يَوْمًا وَلَا تَحْكُمُ كَلَامًا سَمِعَتْ  
 هَمْ النِّعَمُ لَعِينٌ بِالْبَقِيَّةِ نِعْمَتْ هَمْ الْغِيُوتُ إِذَا مَا أَرْتَدَّ  
 وَالْأَسَدُ أَسَدُ الشَّرِّ وَالرَّأْيُ حَزْمٌ  
 أَوَارُ قَدَسٍ وَلَكِنْ مِنْ شَقِيمٍ اشْتَخَصَ أَنْشَرُ لَكِنْ مِنْ أَعْقَبٍ  
 لَمْ يَلِجِ الْوَصْفُ لَكِنْ بَعْضُهُمْ لَا يَنْفِصُ الْخُودَ لِبَطَانٍ الْغَنَمِ  
 سَيَانٌ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا أَنْ يَنْفِرُوا  
 سَادَتْ بِهِمْ عَصَبَاتُ الشَّرِّ مَاءُ الْحَبَّةِ وَالْقَتِّ حَزْمُهُمْ  
 فَهَلْ رَأَى مِنْهُمْ نَاسًا يَفْرَهُهُمْ لَيْتَ نَفَعَ الضَّرَّ وَالْبَلَاءُ يَجِيهِمْ  
 وَلَيْسَ رَأْيُهُمْ إِلَّا حَسَانٌ وَالنِّعَمُ  
 لَيْتَ بَشِيرُ الْبَشَرِ لَا فَاهُ يَشْرَهُمْ وَيَسْطَوِي الْأَنْدَانُ وَأَفَاهُ  
 يَكْفِيهِمْ مِنْ عَظِيمِ الشَّيْءِ قَدْ جَعَلَ مَقْدَمُ بَعْدَ ذِكْرِ اللَّهِ ذِكْرُهُمْ  
 فِي كُلِّ بَدْوٍ وَتَحْتُمُ بِرِ الْكَلَمِ  
 سَلَّمَ الْمُهَيَّمِ مَشْرُوطُ بَيْتِهِمْ وَحُكْمُ مَا ظَلَمُوا حَكْمُ ظَلَمِهِمْ  
 تَعَى الْبَصَائِرُ عَنْ أَوْدَالِ حِلْمِهِمْ هَمْ أَلْطَمَةُ فِي أَنْوَاعِهِمْ  
 إِلَى طَرَفِ الْهُدَى لَيْتَ بَصِيرُ الْأَمَمِ

وَهَمْ أَصُولُ بَيْتِ الْمَذْكُورِ طَاهِرَةٌ وَابْتِغَاءٌ فِي سَمَاءِ الْمَجْدِ طَاهِرَةٌ  
 تَكْفِيهِمْ رُبْنَةً كَالشَّمْسِ طَاهِرَةٍ لَوْ لَمْ تَكُنْ دُنْيَا وَآخِرَةٌ  
 وَلَا سَمَاءٌ وَلَا لَوْحٌ وَلَا قَلَمٌ  
 خَذَهَا كَمَا سَيْتَ قَدْ جَانَتْكَ مَعْنَةٌ بَزَعِمُ أَنْفِكَ إِلَّا مَثَالَ ضَارِبَةٍ  
 وَإِنْ أَرَدْتَ مِنَ السُّطُورِ نَاسِيَةً فَلَيْسَ بِجَادِ هَذَا الْخَلْقِ فَاطِمَةٌ  
 إِلَّا لِيَعْلَمَ هَذَا الْخَلْقُ فَضْلَهُمْ

بسم الله الرحمن الرحيم

هَذَا الَّذِي ضَمَّنَ الْقُرْآنَ مَدْحَتَهُ هَذَا الَّذِي رَهَّبَ الْأَسَادَ صَوْلَتَهُ  
 هَذَا الَّذِي تَحَسَّدَ الْأَمْطَارَ رُخْتَهُ هَذَا الَّذِي عَرَفَ الْبَطْحَاءَ وَطَانَتَهُ  
 وَأَلَيْتَ تَعْرِفُهُ وَلَعَلَّ وَالْحَمْدُ  
 هَذَا بَرٌّ مِنْ دِينِ الدُّنْيَا يَفْرَهُهُمْ وَأَوْصُوا دِينًا فِي صَبْحِ عِلْمِهِمْ  
 وَأَخْضَبُوا عَيْشَانِي فِي طَرِيقِ حُورِهِمْ هَذَا النَّفَقُ الظَّاهِرُ الْعِلْمِ  
 هَذَا بَرٌّ خَيْرٌ عِيَادِ اللَّهِ كَلِمَةٍ  
 هَذَا الَّذِي لَمْ يَغِيبْ لَمْ يَغِيبْ هَذَا الَّذِي لَمْ يَكُنْ قَطْعَانُهُ  
 هَذَا الَّذِي مَاتَ فِي حَرْبٍ سَاعِدُهُ هَذَا الَّذِي أَحْمَدُ الْحَارِ وَاللَّيْلِ  
 وَابْنُ الْوَصِيِّ الَّذِي فِي سَيْفِهِ النِّقْمُ  
 هَذَا الَّذِي لَمْ يَجَأْ إِلَى الْحَيِّ قَائِلُهُ هَذَا الَّذِي فِي الْحَمْدِ قَضَائِلُهُ  
 وَشَابَهُ الرَّهْرُ الْأَرْهَى سَمَائِلُهُ هَذَا بَرٌّ فَاطِمَةُ أَنْ كُنْتُ جَاهِلُهُ  
 يَجِيءُ أَنْبَاءُ اللَّهِ قَدْ خَضَمُوا



هَذَا الَّذِي إِنْ بَصَلَ فَإِنَّهُ عَالِمٌ هَذَا الَّذِي إِنْ بَقِيَ فَإِنَّهُ شَاهِدٌ  
 هَذَا الَّذِي جَدَّ الرَّحْمَنُ جَاهِدَهُ هَذَا عَلَى أَمِينِ اللَّهِ وَالِدُهُ  
 أَمْتُ بَوْرِهِ هَذِهِ هَتْدَى الْأُمِّ  
 هَذَا الَّذِي حَلَّ مِنْهُ فِي الْعَدَامِ هَذَا الَّذِي مَاحَى أَقْدَامَ أَسَدٍ  
 هَذَا الَّذِي الْوَالِي أَيْمَانُ عَصَدُ هَذَا بِنُ جِدَّةِ الْكَرَارِ أَحَدُ  
 إِيَّاهُ عَلَى الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ  
 هَذَا الَّذِي نَزَلَتْ دُرَاهِمُ رَاحَتِهِ وَحِزَّتْ كُلُّ ذِي عَقْلٍ بِرَأْيِهِ  
 وَمَنْ فَلَاهُ فَلَمْ تَرَحُّ بِضَاعَتِهِ هَذَا الْأَمَامُ الَّذِي تَرَحُّ شِفَاتِهِ  
 يَوْمَ الْمَعَادِ إِذَا مَا النَّارُ تَضْطَرُّ  
 هَذَا الَّذِي دَاجَتْهُ قَلْبُ حَسَنِ هَذَا الَّذِي فَاصَّ بَحْرُ الْخَيْرِ بَيْنَهُ  
 هَذَا الَّذِي قَطَعَ لَمْ يَكُنْ يَبْعُدُ مَا قَالَ لَا قَطْعَ إِلَّا فِي شَهِيدِهِ  
 لَوْلَا الشَّهْدُ كَانَتْ لَوْدُهُ نَعْمَ

هَذَا الَّذِي

هَذَا الَّذِي يَدِيهِ سَيْفُ الْخَيْرِ تَحْتَهُ هَذَا الَّذِي مَنْ نَظَاهُ لَمْ يَصْبِهِ إِذَا  
 وَمَنْ يُعَادِبُهُ فِي النَّبِيلِ قَدْ نَبِيْلُهُ مَنْ يَعْزِي اللَّهُ يَعْزِيهِ وَلَوْ يَدَا  
 فَالَّذِينَ مِنْ بَيْنِهِ هَذَا فَالْأُمِّ  
 كُلُّ بَدْرٍ يَهْرُو الظُّلُمَاتِ فَاغْتَوَتْ كُلُّ طُورٍ بَيْتٌ وَلَا وَطَاءٌ قَدْ  
 كُلُّ عُصْنٍ يَهْتَزُّ إِذْ يَرِيحُ الشَّيْطَانُ يَهْتَزُّ بَيْنِي إِلَى ذُرْوَةِ الْعِزِّ الَّتِي تَقُصُّ  
 عَنْ سَيْلِهَا عَمَّا لَا سَلَامَ وَالْجَمُّ  
 هَذَا بِنُ مَنْ قَطَعَ لَمْ يَكُنْ يَبْعُدُ مَنْ دَايَا غُرْمٍ وَمَنْ دَايَا  
 هَذَا بِنُ مَنْ عَمَّ كُلُّ النَّاسِ نَائِلُهُمْ إِذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائِلُهُمْ  
 إِلَيْهِ مَكَارِمُ هَذَا بَيْنَهُ الْكَرَمُ  
 هَذَا الَّذِي فَاقَتْ الْأَقَارِطُ طَعْنَهُ مَنْ لَيْسَ فِيهِ خَوْفُ اللَّهِ دَعْنَهُ  
 هَذَا الَّذِي لَسَّ التَّنْزِيلُ نَبْعَتَهُ مَنْ شَقَّقَتْهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ نَبْعَتَهُ  
 طَائِفَةٌ عَنَّا صِرُّهُ وَالْخَيْمُ وَالشَّيْمُ

نَاهَتْ عُقُولُ الْوَرَى فِي حُرِّ سِرِّيهِ حَارَتْ عُيُونُهُمْ فِي حُرِّ صُورِيهِ  
 إِذَا الضَّلَالُ دَهَى يَوْمًا يَنْظُرُ إِلَيْهِ يَنْشَوُرُ الْهَدَى مِنْ نَوْرِ عَرِيهِ  
 كَالشَّمْسِ تَجَابُّ عَنْ أَشْرَاقِهَا الظُّلُ  
 هَذَا الَّذِي فَاقَ قُتَابَ فِصَالِهِ وَفَاقَ حَامِ طِي فِي سَمَاحَتِهِ  
 هَلْ دَرَى الْيَبَّ مَنْ يَنْجِيهِ يَسَاحِدُ بِكَارِمْ سَيْكِهِ عِرْقَانُ رَاحَتِهِ  
 رَكْنُ الْخَطِيمِ إِذَا مَا جَاءَ يَسْلُمُ  
 هَذَا الَّذِي لَمْ يَمِثْلْ فِي نَجَاحِهِ هَذَا الَّذِي فَازَ مِنْ بَيْنِ بَطَاعَتِهِ  
 إِذَا أَلَى الْخَوِّ الْعَاقِي جَانِبَهُ بَعْضُ حَيَاءٍ وَبَعْضُ مَهَابَةٍ  
 فَلَا يُكَلِّمُ إِلَّا أَجِينَ يَكْتَسِمُ  
 فِي مَدْحِهِ قَوْلُ كُلِّ النَّاسِ مُتَقِي وَفِي تَجَنُّدِهِ مَذَرُ الْخَسَنِ مُتَقِي  
 وَمِنْ سُدَّاهُ رِيحُ الْمَيْدِ مُتَقِي فِي كَيْفِهِ حَبْرُ الْوَرَقِ رَجِي  
 مِنْ كَيْفِ أَرْوَعٍ فِي عَرِينِهِ شَمِي

هَذَا الَّذِي

هَذَا الَّذِي قَدَّرَ فَوْقَ السَّمَاءِ سَمَاءَهُ هَذَا الَّذِي لَمْ يَزَلْ الْمَحْدِ يَتَمَتَّعُ  
 بِمَيْمَنِهِ لَمْ تَزَلْ تَهْمِي لَنَا كَرَمًا كَلِمَاتُ بَيْتِهِ غِيَاثٌ عَمَّ نَفْعُهُمَا  
 لَيْسَتْ كَوْنَانِ فَلَا يَبْرُحُ طَاعَتُهُ  
 رَغِمَ مَبْغُضُهُ الرَّحْمَنُ كُلَّهُ وَبِالْهَمَاءِ وَبِالنَّوَارِ جَمَلُهُ  
 وَلِلْعُلُومِ الدِّيَانِيَّاتِ حَمَلُهُ مِنْ جَدِّهِ دَانَ فَضْلُ الْأَنْبِيَاءِ  
 وَفَضْلُ أَمَّتِهِ دَانَتْ لَهُ الْأُمُّ  
 مَعْنَى كُلِّ مَنْ فِي الْأَرْضِ شَاكِرُهُ مَكْرَمُ خَالِقِ الْأَلْوَانِ نَاصِرُهُ  
 مَهْدَبُ مَالِهِ مِثْلُ بِنَاطِرُهُ سَهْلُ الْخَلْقَةِ لَا تَحْسَبُهُ بَوَادِرُهُ  
 يَنْبِيْهُ حَصْلَتَانِ الْخَلْقِ وَالْكَرَمِ  
 مِنْ مَعْرِشٍ عَنِ عَظِيمِ الْحَرَمِ قَدْ صَفَحَا حُسَادُهُ قَطَامَا فَازُوا وَلَا رَدَّ  
 أَتْبَاعُهُ فِي بَحَارِ الْخَيْرِ قَدْ سَجَلَا حَمَالُ أَفْعَالِ أَقْدَامِ إِذَا قَدْ حُجَّ  
 حُلَا الشَّامِلِ تَحْلُو عِنْدَهُ نَعْمَ



لَهُ الْفَضَائِلُ فِي الدَّارَيْنِ قَدْ جُمِعَتْ  
وَمِنْ حَيْثُ شَمْسُ النَّبِيِّ قَدْ طَلَعَتْ  
وَرَأْيُهُ لِحُجُودِهِ كَيْفَ قَدَّرَتْ  
عَمَّ الْبَرِّيَّةَ بِالْإِحْسَانِ وَانْقَسَتْ  
عَنْهَا الْعِبَادَةُ وَالْمَلَأَتْ وَالْعَدَمُ

فَلَوْ بَهِلَ الْوَلَا طَرَّ بِسِرِّهِ وَكَيْفَ لَا وَهُوَ قَدْ طَابَتْ سِرَّتُهُ  
وَسَالَتْ سِرُّهُ الْخَنَاءُ بِسِرِّهِ لَا يَخْلُفُ لَوْ بَعْدَ مَيِّمُونَ نَفْسَتُهُ  
حَسْبُ الْفَنَاءِ أَدْنَى حِينَ يُعْزَمُ

فِي صُنِّ بَاطِنِهِ مَعَ حُسْنِ ظَاهِرِهِ قَدْ فَاقَ وَهُوَ قَدْ فِي مَفَاحِرِهِ  
فَقَضَاهُ لَيْسَ ذُو عِلْمٍ بِحَاجِرِهِ فَلَيْسَ فَوْقَ مَنْ هَذَا بِضَارِعِهِ  
الْعَرَبُ تَعْرِفُ مِنْ أَنْكَرِ الْعَجَمِ

مُجَلَّ مِنْ أُنَاسٍ جَلَّ عَدَمُهُمْ لَا تَنْقُصُ أَلْفَاظُكَ مَجْدَهُمْ  
وَشَاعَ فِي سَائِرِ الْأَفَاقِ مَدَمُهُمْ مِنْ مَعْرِضِهِمْ دِينَ وَبَعْضُهُمْ  
كُفْرُهُمْ فِيهِمْ نَجَى وَمَعْتَصَمُهُ

الْبَيْتُ

السَّيْفُ وَالرَّيْحُ وَالْأَقْلَامُ تَحْمِلُهُمُ وَاللَّهُ مِنْ كَيْدٍ مَنَ عَادَاهُ مُعْجِبُهُ  
قَدْ سَرَّ قَلْبَ الصَّفَا وَالْحَيِّ مَقْدَمُهُ لَوْ يَعْلَمُ الْبَيْتُ مَنْ قَدْ جَاءَ بِلَيْتِهِ  
لَضَلَّ بِلَيْتِهِ مِنْهُ مَا وَطَأَ الْقَدَمُ

مِنْ مَعْرِضٍ أَوْضَحَ الْبَارِ مَحَبَّتَهُمْ وَأَحْكَمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ حُجَّتَهُمْ  
وَلَمْ يَزَلْ قَازِيًا بِالْبَيْتِ حُجَّتَهُمْ إِنَّ عَدَاةَ أَهْلِ الْبَيْتِ كَانُوا أَعْمَتَهُمْ  
أَوْ قِيلَ مِنْ خَيْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ قِيلَهُ

الْمُرْتَبُونَ جَمِيعًا حَتَّى رَأَيْتُ قَدْ أَصْبَرَ وَأَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ  
وَقَدْ رَعَا فِي رِيَاضِ مِنْ وَعَائِنِهِمْ لَا يَسْتَطِيعُ جَوَادُ بَعْدَ غَائِنِهِمْ  
وَلَا يَدَانِيهِمْ قَوْمٌ وَإِنْ كَرُمُوا

أَفْعَالُهُمْ بِالْبَيْتِ وَالرَّشِدُ قَدْ وَصَلَتْ هَاهُنَا قَدْ غَلَّتْ فَوْقَ السَّمَاءِ  
بَيْتُ النَّدَا وَالْوَفَا أَبَاهُمْ قَسَمَتْ هُمْ الْغَيْبُوتُ إِذَا مَا أَرَمَتْ  
وَالْأَسَدُ أَسَدُ الشَّرِّ وَالْبَاسُ حَزَمَتْ

قَدْ طَرَزَ رَاحِلًا لَعَلَّهَا بَعْضُهُمْ وَأَنْفَادَ كُلِّ أَحَى غَيْرِ لِعِزِّهِمْ  
قَوْمٌ إِذَا طَرَفَتْ أَبْوَابُنَا الْفَتْحُ لَيْسَ دَفْعُ الشُّوَرِ وَالتَّبَلُّوُ الْخَيْرُ  
وَلَيْسَ أَدْنَى الْإِحْسَانِ وَالْفَتْحُ

لَا يُمْرُ الزُّشْدُ إِلَّا غَضَّ هَدَمُهُمْ لَا يَطْلُعُ السَّعْدُ إِلَّا أَفْقُ مَدَمُهُمْ  
لَا يَذْجُ الْفَقْرُ إِلَّا سَيْفُ بَدَلِهِمْ لَا يَقْبُضُ الْعَصْرُ كَيْسَ طَائِرِ الْفَتْحِ  
سَيَانُ ذَلِكَ أَنْ تَرَوْا وَلَنْ عَدَمُوا

لَمْ يَحْشُشْ النَّبِيُّ بَوَاصِلًا كَلَّا وَلَا حَارِزَ دُوعِلٍ بِطَاحَتِهِمْ  
وَلَا حَوَى الْعَيْبُ هَذَا إِلَّا بِلَايَاهُمْ أَنْ يَجِلَ الدَّمُ سَائِرُهُمْ  
خَيْرٌ كَرِيمٌ وَأَبْدَى بِالْبَيْتِ هَظْمُهُ

عَلِمَهُمْ حَبْرَتَنَا فِي مَجَالِيهَا أَكْثَرُهُمْ عَمْرَتَنَا فِي سَحَابِيهَا  
أَنَادَهُمْ جَهْرَتَنَا فِي نَوَافِيهَا بَيَّوْنَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ فَيْتَنَاهَا فِيهَا  
فِي النَّاتِيَّاتِ وَعِندَ الْحُكْمِ أَرْحَمُهَا

أَيَّامُ

أَيَّامُ أَتْبَاعِهِمْ حَقُّ طَبْلَانِكُ وَكَلَّمَ أَعْدَاءَهُمْ كَفَّ بِلَا عَصْدُ  
وَشَفَّ عَلَيْهِمْ لِحُفِّ عُلُجِدِ بَدَلَهُمْ شَاهِدُ وَالشَّعْبُ حُدُ  
وَالْحِنْدُ قَانِ وَيَوْمَ الْفَتْحِ أَرْصَدُ

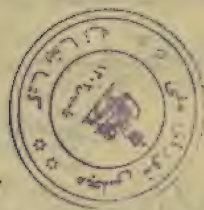
يَوْمَ الْبَيْتِ كَمَا رَضِيَ مَنَاسِلَهُمْ وَيَوْمَ صَفِينِ كَمَا رَوَى ذِي الْإِلَهِ  
وَوَقَعَتِ النَّهْرُ كَمَا أَصْفَتْ مَنَاسِلَهُمْ وَخَيْرُ وَحْنَيْنِ لَيْسَ هَذَا لَهُمْ  
وَفِي فَوْضِيَّةٍ يَوْمَ صَيْلِمَ قَتَمُ

يَجْرِي بِأَمْرِ اللَّهِ الْخَلْقُ أَمْرُهُمْ مُسَلَّمٌ عِنْدَ كُلِّ النَّاسِ فَحَرَمُهُمْ  
بِذِكْرِهِمْ صَدَعَ الْقُرْآنُ ذِكْرَهُمْ مُقَدَّمٌ بَعْدَ ذِكْرِ اللَّهِ ذِكْرَهُمْ  
فِي كُلِّ بَدْوٍ وَخَتْمُ بَيْتِ الْكَلَمِ

يَا رَهْبَ فَاغْضُرْ لَيْسَ هِيَ الذِّي سَبَقَا وَالَّذِي جَاءَ بِالْعَجَائِزِ مُتَسَبِّحًا  
وَالَّذِي قَدَّرَ مَنَظَرُهَا الْعَجَائِزِ وَالسَّامِعِينَ وَسَلَّمَ مَا السَّامِعِينَ  
عَلَى النَّبِيِّ كَذَا الْأَلْ أُولَا الْكِرْمِ

قَدْ تَمَّ بَعْدَ الْإِلَهِ





هذا تاريخ من كل حاج عبد النبي البغدادى ايد الله تعالى  
 بنا احمد خان الخوني لجديد مشهد العسكر بن علي شيرازي  
 ما لا يحصى من القنيات والصلوات والتسليمات الكبار  
 ارقت شتاتة الليل عسيري ووعيل الشوق في الاحشاء  
 تراهي كلما عرفت لها غامض البرق او الصبح  
 وترى القوم سكارى فوفا من عقار الشوق لا الحذر  
 كلما حنت غراما اسبلت مقل الاجفان كالبرق الكاس  
 تنجي خيرة قدس اصبحت لكتاب الله والناسيل قدس  
 حفرة حلي بها بسطا مدي طاب منها نيت النور  
 نلت ساقرا فخر ابيها فاعلم بها اصبحت مقدس  
 فلذا لويبي اجياد الوبي ينك عقدان من نفس القدس  
 وعلى فريك والقائم بين شرع الانصاف والملك القدس





صَلَوَاتُ وَتَحَنُّاتُ لِيَا  
يُصْبِحُ لَدُنِّي فِي الْيَوْمِ أَشْمُسُ  
قُلْتُ فِي عَلِيٍّ لَمَّا أَخُوهُ  
أَخْلَعَن تَعْلَكَ فِي الْوَادِ الْمَدِينِ  
وَأَلَهُ أَيْضًا

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنِ نِيَا وَآخِي  
وَيَنْبَغِي وَصِيحَةُ طَاهِرِيَا  
وَيَجِبِي هُمْ وَبَعْضُ عَدَائِهِمْ  
ضَرَبَ اللَّهُ لِي طَرِيقًا أَيْسَا  
أَفَاحِشِي خَطِيئَةٍ وَلَا بِي  
شَقَاءُ الْعَصَا وَالْمَذِينَا

أَيْضًا لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ

نَفْتُ أَمَلُ الزَّمَانِ بِالشَّعْرِ قَدَا  
وَكَسْتَنِي يَدُ الْبَلَاءِ قَدَا  
وَبَدَا مَذْغُفْتُ وَكَأَنَّ حَجَلِي  
بِنَيْلِي أَنْتَ شَعْرُ النَّاسِ طَرَا  
بِالْمَعَانِي وَبِالْكَلَامِ الْبَدِيدِ  
لَوْرَاتُ شَعْرِ الْبَلَاءِ عَوَامُ  
يَا سَمِيرِي وَأَنْتَ حَرُّهُمَا  
لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلَامِ طَارُ  
لِيَحْجُلَ لَمَّا فِي يَدَيَّ خَيْتِيرِ

نَفْتُ

أَنْتَ رَأْسُ وَطَانٍ فِيهِ الرُّوسَا  
وَتَهْدِي سِرَّ سِرَّتِ الْفُوسَا  
يَا أَهْلَ الْحَدِّ لَا تَحْبَتِ الْفُوسَا  
فَلَمَّا ذَاكَ تَرَكْتُ مَدَحَ ابْنِ مُوسَى  
وَالْحَضَائِلُ الْبَقِيَّةُ فِيهِ

أَنَا فِي مَدَحِ عَدِيمِ كَلَمِي  
أَذْفَقْتُ لَهُ أَجَلَ مَقَامِي  
وَلَقَرْتُ فِي خَيْرٍ وَخَيْرِ أَمْرٍ  
قُلْتُ لَا أَسْتَطِيعُ مَدَحَ إِيَّاهِ  
كَانَ جَبْرِيلُ خَادِمًا لِيَابِسِي

أَيْضًا لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ

وَدَبَ نَاسِرُ طَلَبِ الْعَالِيَةِ  
عَنْ بَيْتِي الْحَدِّ فِي الدُّنْيَا  
وَمَدَحِي فِي بَيْتِ الْمَدْحِ أَكْثَرُ  
فَالْمَدْحُ أَسَدِي لِيَابِ الْحَدِّ لَمْ يَكُنْ  
مَدَحِي وَمَدَحُ نَفْسِي مِنْ بَيْتِي  
مَلِكُ الْعَالِيَةِ أَمْلَكَ الْبَلَاءُ  
وَمَا جَدُّ فِي مَعَانِي خَيْرُ  
إِنْ دَفَعْتُ مَدَحِي فَارَافِي مَدَحِي  
مَاذَا أَقُولُ مِنْ دَأْسِ لَمَدِي  
فِي تَوْضِيعِ وَضْعِ الْحَمْدِ مَيَّاهُ  
كَرْبَلَةَ بَيْتِ الْأَوْدَاءِ طَلْعِي  
فِي خَيْرِ مَعْنَى وَأَخْطَارِ بَدْعِي  
وَكَلَّمَا قُلْتُ فِيهِ لَيْسَ يَقْبَلُنِي  
إِنْ قُلْتُ ذَا بَشَرٍ لِعَقْلِ مَبْعِي  
وَأَحْشَى اللَّهُ مِنْ قَوْلِي لَمَّا

تَذَكَّرْتُ طَالَ النُّوَى فَخَرَا  
وَجَادَ بَدْعِي كَالْعَقْرِ الْبَحْرِي  
وَأَنْ هَاجَ جَمْرُ الشُّوقِ نَادِي مَكْرَا  
بَيْتِي الْحَدِّ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ فِي الْوَدَى  
سَلَّمَ عَلَيْكُمْ أَنْ حَضَرْنَا وَإِنْ غَبْنَا  
لَسْنَا تَلُوبُ الْعَالِيَةِ بَدْعِي  
وَتَشْرِي بَيَاقُ الْعَالِيَةِ بَدْعِي

تَمَاكِدُ مَنَاثِقَ بَلِيَّ بَدْعِي  
مَعْنَى سَوِيَّ غِنَا بَاكَافِ الْبَحْرِي  
مَعْنَى حَوِيَّ بَرَّ حَوِيَّ بَدْعِي  
صَدْرُ حَوِيَّ غَمَّ الْبَقِيَّةِ الْبَحْرِي  
الْمَرْفُوعُ الْكَلَامُ شَرَفُ مَدْحِي  
نُورُ الْبَيْتِ مِنْ قَدِيمِ الْأَمْرِ  
أَلَّهُ صَفَاءُ وَصَفَاءُ وَلَنْ  
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَغَارِ مَعْرِ  
لَوْلَاهُ لَمْ يَوْجَدْ لَبْنُ مَدْحِي  
كَفَوَ لَعْدُونِ تَرْفِ مَعْرِ  
وَالْيَا يَقُونَ السَّابِقُونَ بَحْرِي  
قُلْتُ وَهَذَا قَوْلُ كُلِّ مَفْسِرِ

لَحَاجِي عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْبَغْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ

بِحَاجَتِي لَأَمْرٍ أَلْبَعُ نُوْرُكُمْ  
وَلَتَشْرِي بَاكَافُ الْبَحْرِي بَدْعِي  
وَمَدَحِي شَوْقُ الْفُلُوبِ بَدْعِي  
أَيْضًا لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ  
وَكَمْ مَثَلُ بَيْتِي لَنَا وَغَوَانِ  
أَيْضًا لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ  
وَلَنَا مَدْحِي بَاكَافُ الْبَحْرِي  
وَلَمَّا تَرَكْنَا نَحْتِ طَلَبِ الْبَحْرِي  
فَمَا لَكُمْ مَلِكٌ مِنْ قَرْنِي لَتَرْفِكُمْ  
بِمَلِكِ جَهَنَّمَ لَأَيْضًا لَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ



عَلَّمْنَا يَقِينًا اذْهَبْنَا لَكَ طَهْرًا فَطَهَّرْنَا بِمَا نَصَلُّ عَلَيْكَ  
وَطَبَّعْنَا قَيْنًا ثَارًا بِسِكِّ طِينَا

عَلَّمْنَا الْوَرَى طَهْرًا فَطَهَّرْنَا لَكَ وَسَدَّنَا كَمَا سَدَّنَا بِحَبْرِنَا  
وَلَمَّا رَضَعْنَا وَذَكَرْنَا مِنْ اِمَانِكَ وَرَشَانَا مِنَ الْاَبَاءِ عَقْدًا وَلَا نَكْرًا  
وَنَعْنُ اِذَا فَنِيْنَا فَوَرَّثْنَا اَبْنَانَا

بِخَالِ الْوَرَى كَرَاهِيَةً عَقُولَ بِمَدْحِكَ كَرِهِيَةً مَحْوُولَ  
وَلَقِيْنَا بِمَدْحِكَ مَسْئُولَ اَيْتَكَ كُلَّ مَكْرَمَةٍ مَسْئُولَ  
اِذَا مَا قِيلَ جَاءَكَ لَوْ سُولَ

سَمِعْتُمُ بِالْمَوَاضِعِ الْعَطَايَا وَسَدَّتُمْ بِالْفَقْرِ كُلَّ الْهَرَايَا  
فِيْنَا اَسَدُ الْعَامِ وَالْقَتَايَا اَبُو كَرِيمٍ مِنْ مَرْكَبِ الطَّيَايَا  
وَامَكُمُ الْمَطْهَرَةُ الْبَتُولُ

سَلَوْتُ بِجَنَّةِكَ عَنْ كُلِّ لَوْمَةٍ وَفَرَّقْتُ بِمَشْرِيدٍ بَيْنِي وَسَوْمَةٍ

وَفَرَّقْتُمُ

وَأَفْخَرْتُمُ فِي كُلِّ يَوْمٍ اِذَا فَتَحْتُمُ الْاَنَامَ حَيْثُ تَوْمٍ  
بِحَدِّ مَكْرَمَتِكُمْ تَفَاخُرًا خَيْرًا يَدُلُّ

وَأَنْتُمْ أَفْضَحُ الْقَضَائِطِ وَأَكْرَمُ مِنْ شَيْءٍ خُلِقَ وَخُلِقَا  
وَسَادَاتُ الْوَرَى غُرَابُورٌ وَفِيكُمْ اَنْزَالُ الْفَرَانِ حَقًّا

فَاِذَا فِي مَدْحِكَ اَقُولُ

اَبَا حَسَنِ اَنْتَ اَنْتَ صِدِّيقُ الْمُهَيَّمِينَ لَوْ اَنْصَفُوْكَ  
وَأَنْتَ جَعَلْتَ فَرَسِيًّا عَيْدًا وَلَوْ اَضَامَكَ كَانُوا مَلُوكًا  
وَأَنْتَ الْمَقْدَمُ فِي النَّبَاتِ وَعِنْدَ الْخَلْقِ اِلَّا اَخْرُوكَا  
وَلَكِنْ اَعُوْا خَلْقَهُمْ وَلَوْ قَدَّمُوا خَلْقَهُمْ قَدَّحُوْكَ



کسایشده بکشدنق ارض مشربا  
قلت من شد و بکشدنق کشت  
رای

بکت سلی غذا البینا  
رات دمی تحصب بالذناء  
فصمتی مودعه و تالک  
چربودی کربودی اشانی

رای  
والجئون فی البید اکیلیا  
فدله من الحسن ذریک  
فلموه علیه و عتقوه  
فقال رایت بدیار لیلک

لما تجلی علی رعم العدی فی  
یخال بنبها کالقصص الثم  
اقدر اذ جانی لیسى بلا خدر  
يقول لی صیف عذاری وصف

و جعتی قلت غذا بصغیر الی  
وصف الحاسن فیو لیس الحینه  
ولیس عزی فی العناق یقتله  
یا جهر اشف معناه و معدنه

نار خذیک النار فی النار  
نار خذیک النار فی النار



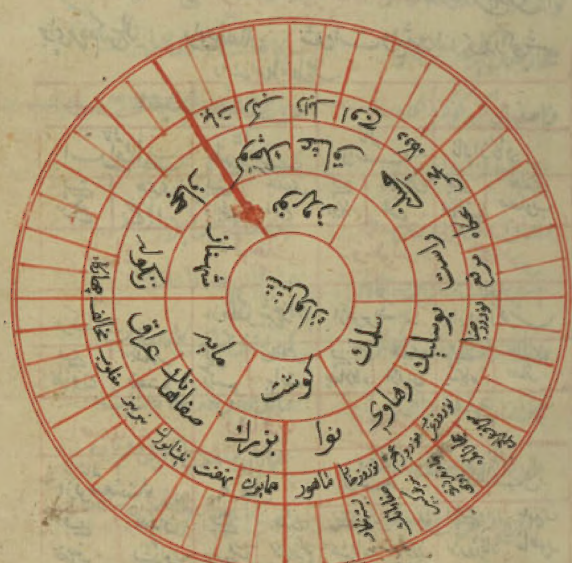
بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ابدك الله كرمه علی بنی دمه بنی علم موسی بنی سید چنانکه حضرت امام الزین العابدین  
کبره علی بنی علم موسی بنی سید فرمودند که این علم بسی غریب و عجیب است  
و هر که این علم را در کتب و در دسترس مردم بپوشد فایده آن را نخواهد  
این علم از این است که در کتب و در دسترس مردم بپوشد فایده آن را نخواهد  
بود حضرت و الفیقه ملک را فرمود که قال ادم و ابراهیم و اوزیر و نوح و ابراهیم  
و کنیزان اهدان راست بود که ان ملک خدای چون روح از خاک و ذره استماع نمود  
بسیار فرج خاطر او دادست و از حال بیانی شد پس آنکه قیال ادم در آمد که مشاهده  
کردن چو است آنکه از حق تعالی شد که در کتب و در دسترس مردم بپوشد فایده آن را نخواهد  
اورد و بجهاد کرد و گفت الحمد لله و بیای خواست پر محبت همین فضیلت این علم بیشتر است  
از جمیع علمهاست و دیگر همچنان هزار عالم مشهور است شرف از عالم جاد است و شرف  
عالم نبات و شرف از عالم جاد است و هیچ شیئی نیست که تسبیح و قبله ای بی شرف  
نباشد و باید دانست که جمیع اشیا را بر اهدان و طول و غیره باشد که کسی از اهدان این  
بیاورد باشد ملاک و فایده آن است که هر چه این علم را بر او داده است باید دانست  
که این نعمات و مقامات را جمیع از وحش و طوطی و پرده داشته اند و دیگر مقامی از مقامات  
لوازمه کارند و شعبه و هر دو مقام این اوز و چهار گوشه و سپرده قرار داده اند

روح خود را در کتاب  
میر غفر

که مجموع دوازده مقام و بیت و چهار شعبه و شش اوز و چهل هشت گوشه  
و سی و شش پرده باشد و اصول اهدان قرار دادند و دوازده مقامات مشغله و  
دوازده مقامات و باید دانست که هر مقامی بر برجی منسوب است چنانکه از این جدول معلوم شود

جود	سرمایان	حد	قور	اسد	سنبله
داست	بوسلیک	عراق	حسیله	رهاوی	نوا
میزان	عقب	قور	حدی	دلو	حوت
بزرگ	اصفهان	عراق	زنگنه	حجاز	کوکب





و بدانکه هر مقامی که خوش باشد است بطایفه منسوب بدین طریق

**دست سرگاه چهارگاه حبسه نوا**

انواع حکام از برای مردم سپاه برای مردم هند برای ننان برای مردم

**مخالفت غزاله چهارگاه پنجگاه ششاهو عشاق**

انواع مردم فراتر برای مردم بهرین برای مردم سپاه بهرین برای مردم سپاه بهرین

**سرگاه حجاز زنگوله و باید داشت**

برای مردم کربلا برای اهلان شدن است و پیشه و بلند ی و او گوشه داشته اند اینها بنظر حق

دست	عشاق	حبسه	عراق
اسرافیل	خرویش	از اسب	ناله اذکار
پیش	پیش	پیش	پیش
موقع	پنجگاه	دوگاه	مخالفت
بزرگ	کوچک	زنگوله	حجاز
از کشت	از شکر شکر	از هر شکر	از دراز گوش
پیش	پیش	پیش	پیش
همایون	نعت	پشت	چهارگاه
اصفهان	رهاوی	بوسلیک	نوا
از کشت	از کلاغ	از شکر	از اسب
پیش	پیش	پیش	پیش
نهرین	نوا	نوروز	نوروز

روح صفا  
هم بنظر حق

و بدانکه هر مقامی که خوش باشد است بطایفه منسوب بدین طریق

حسبه که مقامات است هنرین روی آمد دو کاهش با خربز

مقام راست که پنج کاهست موقع لازم او پنج کاهست

نرسازی پرده عشاق را دست نغم در زایل و در اوج اسناد

نوا را که وی افتد در جهان شور بود نور و ضایع و هاور

حجاز آمد یک محل شردار سر کاهست حصاران محل را بار

ز اصفهان که کوک در کاه به نهرین ششاهو بود راه

مقام کوچک ارفاق توانی کرد در کب باقی بیت خوانی

دهاوی مثل بنور و عیب رام بنور و عیب بود کرد ارام

چرخ بوسلیک و از پرده حجاز عشق و ان صبا داد اواز

عراق حضرت افر و راست مطلوب کمی روی مخالف کاه مغلوب

پس از زنگوله اندر نغمه عنوان نماید چهار کاه انکاه عرب

بزرگ آمد به چرخ ساز کرده همان نغمه از روی و پرده

دو فرخ از نغمه اهل نشان یافت کون باید نغمه پیش عنوان ساخت

حسبه است با هر اصل او حی چو در باو کایست فقر مری

دو نیم مقام راست  
نوا را که وی افتد در جهان شور

حسبه فرغ اول دست خانی بود فرغ دوم را اوج ثانی

بدین ترتیب تا آخر فرستیم بری بردار زین محلی که کشیم

باید داشت که خوانند چون بر سر ساز و نواز و اول شد دوگاه بنام واز

او چهار کاه و حبسه رود از حبسه یعنی واز و از نغمه ان بنظر اید و کوچک بنام واز و از نغمه

بزرگ رود و از نغمه بنور و عیب و دو و بلند ی او گوشه است و کوشش با نماند

و از گوشه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و شد که که بهرین بزرگان که این علم و اقرار داده اند و شدند و کم او را راست گویند

باید صاحب مقام اول شد دست کند و از او چهار کاه و دو و از نغمه او بوسلیک و دو

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

اصفهان بزرگ و از نغمه اهل عشاق نماند و از او بنوار و از نغمه ایلان

بنام و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

بنام و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

بنام و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

بنام و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و ان چهار کاهست باید اول چهار کاه شد کند و از او بنوار و دو چون چهار کاه

باید زنگوله نماید و بیک باید و از او بوسلیک و از او بجم و از نغمه بنور و عیب

و از او بنوار و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و باید داشت که هر محل از نغمه ان بنظر اید و کوچک بنام واز و از نغمه بنور و عیب

پس از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

چاشنی که پنج کاه و کوک دایت و راست بکار اید و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

بکار اید و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب

و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب و از نغمه بنور و عیب







